فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صص ۵۷ - ۲۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۰۲

آینده‌پژوهی جریان‌های سلفی-تکفیری در دوره پساداعش

محمدمیرعبدلی[۱]
کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
رضا خراسانی[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶**

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

سلفیان تکفیری به عنوان یکی از نحله‌های فکری باسابقه در تاریخ اسلامی، همواره جهان اسلام را با آشوب‌ها و مشکلات متعددی مواجه ساخته‌اند و با فراز و نشیب‌هایی تاکنون به حیات خود ادامه داده‌اند، اما امروزه با توجه به تضعیف و کاهش یافتن قدرت گروه‌های سلفی-تکفیری به‌ویژه داعش در کشورهای عراق و سوریه که در بحبوحهٔ انقلاب‌های عربی در خاورمیانه به‌طور غافل‌گیرکننده‌ای به عرصه درگیری‌ها وارد شده و به تدریج تبدیل به چالشی جهانی گردیدند. بررسی آیندهٔ پیش‌روی آنان جهت جلوگیری از تکرار حوادث اخیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بهره‌گیری از روش سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های مهم دانش آینده‌پژوهی، چشم‌انداز حیات گروه‌های تکفیری در دوره پساداعش در قالب سناریوهای مختلف -آینده‌های مطلوب، ممکن و محتمل- مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این راستا مؤلفه‌های مطرح شده عبارتند از: آینده مطلوب گروه‌های سلفی-تکفیری و مخالفان آن‌ها؛ آینده‌های ممکن: دولت‌سازی تکفیری‌ها در کشورهای مسلمان، ادغام گروه‌های سلفی-تکفیری با یکدیگر، پذیرش دموکراسی به عنوان بدیل خلافت از سوی تکفیری‌ها؛ آینده محتمل که برآیندی از مجموعه سناریوهای مطرح شده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارند که علی‌رغم شکست نظامی گروه‌های تکفیری، این گروه‌ها به‌طور کامل از بین نمی‌روند، بلکه همچون آتش زیر خاکستر منتظر بازگشت دوباره به صحنه منازعات خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، سناریونویسی، جهان اسلام، سلفی-تکفیری، پساداعش.

1. mohammad_mirabdoli@yahoo.com
2. reza.khorasanie@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مقدمه

امروزه جهان اغلب به‌جای مشاهدهٔ درگیری دولت‌ها با یکدیگر، با پدیده‌ای به نام تروریسم که شکل مذهبی و دینی نیز به خود گرفته، مواجه است. از آنجا که عمده فعالیت‌های تروریستی در خاورمیانه توسط گروه‌های سلفی-تکفیری و به نام اسلام صورت می‌گیرد، همین امر باعث واکنش منفی نسبت به دین اسلام و رشد اسلام هراسی در برخی نقاط دنیا شده است. البته خشونت‌های مذهبی در تاریخ اسلام دارای قدمتی طولانی هستند؛ اما وجه تمایز آن‌ها با حملات تروریستی گروه‌های سلفی-تکفیری معاصر، در بین‌المللی شدن اقدامات گروه اخیر است. درحالی‌که در گذشته اقدامات تروریستی تنها یک کشور خاص را دربر می‌گرفت. (خراسانی، ۱۳۹۵). هم‌چنین در دوران گذشته گروه‌های سلفی رادیکال وجود داشتند، اما اکثر گروه‌های سلفی از روش‌های مسالمت‌آمیزتری برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کردند از جمله اقدامات فرهنگی، آموزشی، تبلیغاتی و... که موجب نوعی تساهل و تسامح در برابر آراء مخالف یا به عبارت دیگر تحمل مخالفان می‌شد، اما در دهه‌های اخیر، گروه‌های سلفی-تکفیری رادیکال‌تر شده و از اقدامات خشونت‌آمیزتری استفاده می‌کنند. (فیرحی، ۱۳۹۲).

در رابطه با مباحث و مسائل مربوط به گروه‌های سلفی و تکفیری اگرچه پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، اما عمدهٔ تمرکز آن‌ها بر روش توصیفی و تاریخی است و کمتر از منظر رهیافت آینده‌پژوهی نسبت به این گروه‌ها که چالشی بین‌المللی محسوب می‌شوند، پرداخته شد. (سمیعی‌اصفهانی و شفیعی‌سیف‌آبادی، ۱۳۹٤: ۲۰۳-۲۰۱). اما مسأله این است که اکنون با توجه به افول گروه‌های سلفی در دو کشور عراق و سوریه باید بر آینده این گروه‌ها متمرکز شد و اقداماتی که ممکن است در آینده این گروه‌ها انجام دهند، بررسی گردند و اقدامات متناسب برای مواجهه با آن‌ها تشریح شود. در گشته، با پیش‌بینی نکردن ظهور گروه‌هایی همچون داعش، جبهه‌النصره و سایر گروه‌های مسلح سلفی-تکفیری حاضر در سوریه و عراق، این گروه‌ها در کشورهای مذکور و سایر کشورهای منطقه و جهان جنایات وحشتناکی را انجام داده‌اند، به‌گونه‌ای که امروزه، تروریسم مرزهای کشورها را درنوردیده و به عنوان یک خطر و معضل جهانی مطرح شده که امنیت بین‌الملل را مورد تهدید قرار داده است. هم‌چنین تروریسمی که هم‌اکنون مرکز ثقل خود را در میان کشورهای عراق و سوریه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

قرار داده است، علاوه بر افزایش تهدیدات امنیتی، حوزه‌های دیگری چون اقتصاد، فرهنگ، توریسم و گردشگری و جز این‌ها را در سطح منطقه خاورمیانه و حتی جهان مورد تهدید قرار داده و با سرعت بخشیدن به بحران مهاجران و پناهجویان، یکی از دردناک‌ترین فجایع انسانی را رقم زده است. (خانی، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۰). بر این اساس در این پژوهش تلاش می‌شود از طریق بررسی جریانات سلفی-تکفیری با استفاده از روش «سناریونویسی» که یکی از انواع روش‌های «آینده‌پژوهی» است، تحولاتی که در آینده در انتظار این گروه‌ها است، مورد مطالعه قرار داده و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

چه سرنوشتی در انتظار آنها خواهد بود؛ نابودی کامل یا ادامه حیات؟ در آینده چه تحول و تطور یا اصلاحی در اندیشه آن‌ها رخ خواهد داد؟ چه تغییری در شیوه‌های مبارزه آن‌ها شکل خواهد گرفت؟ امکان جذب این جریانات درگروه‌های معتدل‌تر چقدر است؟ رویکرد آنها نسبت به کسب قدرت در کشورهای اسلامی از طُرق دموکراتیک و شیوه‌های مسالمت‌آمیز همچون تشکیل احزاب و شرکت در انتخابات چگونه خواهد بود؟

مسأله اصلی پژوهش بررسی دغدغه‌های فوق در جریان‌های سلفی-تکفیری در دورهٔ پساداعش است که با استعانت از روش سناریونویسی تلاش می‌گردد، موضوع فوق بررسی و تحلیل گردد.

۱.روش پژوهش

۱-۱.آینده‌پژوهی[1]: آینده‌پژوهی به عنوان حوزه‌ای نوین، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که «کدام آینده‌ها امکان وقوع دارند؟ کدام آینده‌های ممکن از احتمال وقوع بیشتری برخوردارند؟ و از میان آینده‌های محتمل کدام‌یک برای ما مطلوب است و یا کدام آینده مطلوب‌تر را می‌توان به شیوه‌ای هوشمندانه معماری کرد؟» (خزایی و حسینی‌گلکار، ۱۳۹٤: ۲۱). پس در یک تعریف ساده و در عین حال بسیار ژرف، آینده‌پژوهی را می‌توان «علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا» عنوان کرد. (کینی، ۱۳۸۱: ۱۰).

آینده‌پژوهان معتقد به چهارگونه آینده هستند: ۱)آینده‌های ممکن[2]: منظور، تمامی حالات شدنی است که استعداد تحقق در آینده را دارند و به عبارتی روشن‌تر محال ذاتی نبوده و

1. Futures Studies / Futurology
2. Possible Futures

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

امکان‌پذیر هستند. ۲)آینده‌های باورپذیر[1]: همان آینده‌هایی هستند که بر پایهٔ دانش و خرد بشر، باورکردنی و پذیرفتنی هستند و آن‌ها را می‌توان زیرمجموعهٔ آینده‌های ممکن دانست. ۳)آینده‌های محتمل[2]: در میان آینده‌های ممکن، برخی از آینده‌ها از امکان وقوع بیشتری برخوردار هستند و بر پایهٔ دانش و درک ما پذیرفتنی‌تر هستند، که این آینده‌ها را محتمل می‌نامند. ٤)آینده‌های مرجح[3] یا مطلوب[4]: آینده‌های مطلوب، همان آینده‌هایی هستند که ما بر پایهٔ ارزش‌ها و هدف‌گذاری‌ها، خواستار شکل‌گیری و تحقق آن‌ها هستیم. (خزایی و حسینی‌گلکار، ۱۳۹٤: ۱۰۵-۱۰۳).

۱-۲.سناریونویسی: یکی از روش‌های مهم آینده‌پژوهی، روش سناریونویسی است. سناریو به عنوان ابزاری برای تنظیم ادراک فرد از محیط‌های بدیل آینده تعریف می‌شود، که در این محیط‌های بدیل تصمیمات فرد می‌تواند محقق شود. هدف سناریوها، تغییر تفکر حاکم و جاری یا بازاندیشی در آن، بهبود تصمیم‌سازی، افزایش یادگیری فردی و سازمانی، و افزایش عملکرد است. (همان: ۳۳۰). سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است. البته وقوع سناریو نه‌تنها حتمی نیست، بلکه احتمال آن نیز اندک است. به همین دلیل میزان دقت و درستی از ویژگی‌های یک سناریو خوب به‌شمار نمی‌رود. (مافی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). لذا طراحی سناریو یک روش برای توسعه و تفکر درباره موقعیت‌های آینده ممکن براساس چندین سناریوی مختلف است. (Schoemaker, 1995: 26). به‌عبارت دیگر، هدف سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر کردن طیف آینده‌های جایگزین است که می‌تواند مورد نظر ما باشد، زیرا به‌طور منطقی اگر آینده با عدم قطعیت همراه است، پس آینده‌هایی ممکن و با احتمال رخ دادن مساوی وجود دارند و ما آزادیم تا آینده‌های مختلف را مورد کندوکاو قرار دهیم. به همین جهت روش‌شناسی سناریوها، ما را از آینده طبق روال گذشته برحذر داشته و رویدادهای ممکن وسیع‌تری را مورد توجه قرار می‌دهد. (خزایی و همکاران، ۱۳۹٤: ۲٦۸-۲٦۷). بنابراین برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو به نوعی متدولوژی در برنامه‌ریزی اشاره دارد که به‌صورت آشکار

1. Plausible Futures
2. Probable Futures
3. Preferable Futures
4. Desirable Futures

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

به تردیدها دربارهٔ آینده می‌پردازد. (همان: ۵۱۲). در این پژوهش سعی شده است جهت طرح دقیق‌تر و بهتر سناریوها، عوامل، نیروها و متغیرهای مهمی که در وقوع یا عدم وقوع یک سناریو می‌توانند تأثیرگذار باشند، تحت عنوان پیشران‌ها، سدکننده‌ها و شگفتی‌سازها مورد بررسی قرار گیرند. نیروهای پیشران، نیروهای بنیادینی هستند که زمینه تحقق الگوهای رویدادها را مهیا کرده، پیامدهای محیط‌های آینده را معین می‌کنند و موجب بروز رویدادهای مختلفی می‌شوند. (همان: ۳۵۸-۳۵۳). سدکننده‌ها نیز به عواملی گفته می‌شود که تأثیرات محسوسی بر یک تئوری یا سناریو دارند، البته نه بر وقوع آن بلکه بر عدم وقوع آن‌ها. (محمدی، ۱۳۹۶: ۲۸). شگفتی‌سازها[1] رویدادهایی هستند که احتمال وقوع اندکی دارند، اما درصورت وقوع پیامدهای شگرف و گسترده‌ای خواهند داشت. لذا آن‌ها در بردارنده عناصر قدرتمندی از غافل‌گیری استراتژیک هستند. (Kosow & Gabner, 2008: 80). بر این اساس پیشران‌ها به عنوان نیروهایی شناخته می‌شوند که زمینه تحقق یک رویداد را تسهیل می‌کنند، اما در مقابل سدکننده‌ها عواملی هستند که در انجام و وقوع یک رویداد مانع ایجاد می‌نمایند. شگفتی‌سازها را نیز می‌توان نوعی گسست ناگهانی در جریان روندها دانست که احتمال وقوع و پیش‌اندیشی‌پذیری کمتری دارند و درصورت وقوع می‌توانند خود به عنوان یک نیروی پیشران یا سدکننده عمل کنند.

۲.شناخت سلفیان تکفیری

گروه‌های سلفی-تکفیری از دو ویژگی مهم برخوردارند: یکی سلفی و دیگری تکفیری بودن. سلفیه که قدمتی به درازای تاریخ اسلام دارد، کسانی هستند که خود را از نظر تبعیت مطلق از قرآن و حدیث پیرو سلف صالح می‌دانند و سلف صالح نیز عبارت است از سه نسل اول مسلمانان یعنی صحابه، تابعین و تابعینِ تابعین[2]. (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۲ :۲۳۸). تکفیر نیز در اصطلاح به معنای کافر دانستن کسی یا نسبت دادن کفر است. (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). این امر نیز از دوران خلفای راشدین وارد ادبیات اسلامی شد. براین اساس منظور از گروه‌های سلفی-تکفیری، گروه‌هایی است که از یکسو معتقد به بازگشت به آرمان‌های اسلام اولیه

1. Wild Cards

۲. مهم‌ترین دلیلی که سلفیان برای مشروعیت سلف ارائه کرده‌اند، حدیثی منسوب به پیامبر است که فرمود: «خیر القرون قرنی، ثم الذین یلونهم، و ثم الذین یلونهم.» (نبوی و نجات، ۱۳۹۳ :۱۳۵).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

و صحابه هستند، و از سوی دیگر با دردست داشتن سلاح تکفیر، به اِعمال خشونت علیه غیرمسلمانان و حتی مسلمانانی که هم‌عقیده با آن‌ها نیستند، می‌پردازند. در حقیقت، تکفیری‌ها پیروان تمام ادیان و مذاهب از جمله همهٔ مسلمانان به‌ویژه شیعیان را غیرخودی، کافر و مهدورالدم دانسته و خون آن‌ها را حلال می‌دانند. (Fawaz, 2005: 63).

۳.گروه‌های سلفی-تکفیری و سناریوهای پیشِ‌رو در عصر پساداعش

در بارهٔ آیندهٔ فعالیت‌های گروه‌های تکفیری می‌توان سناریوهای گوناگون و خوش‌بینانه‌ای را مطرح نمود. ازجمله نابودی کامل گروه‌های تکفیری و هم‌چنین چرخش در افکار گروه‌های تکفیری و به فراموشی سپردن تشکیل حکومت. درنوشتار حاضر سعی برآن است که با توجه به اندیشه تکفیری‌ها و واقعیت‌های موجود در ساحت عمل، پس از بررسی آینده مطلوب سلفیان تکفیری از یکسو و مخالفان آن‌ها از سوی دیگر، سناریوهای ممکن و محتمل در پیشِ‌روی این گروه‌ها در آینده مورد واکاوی قرار گیرند.

الف)آینده مطلوب

در بررسی آینده‌ی گروه‌های سلفی-تکفیری آنچه آینده مطلوب مهم به نظر می‌رسد، تمایزگذاری بین آینده مطلوب گروه‌های سلفی-تکفیری از یکسو و آینده مطلوب مخالفان آن‌ها از سوی دیگر است، زیرا مطلوبیت هریک از آن‌ها به معنای شکست و نابودی طرف مقابل محسوب می‌شود.

۱.آینده مطلوب گروه‌های سلفی-تکفیری؛ احیای خلافت: نظام سیاسی خلافت که پس از رحلت پیامبر(ص) و در ماجرای سقیفه برای نخستین‌بار مطرح گردید، حدود ١٤ قرن تنها شکل حکومت مشروع و مورد پذیرش اهل سنت بود. پس از الغای خلافت عثمانی به عنوان آخرین خلافت اسلامی در سال ١٩٢٤ اندیشه خلافت به عنوان تنها نظام سیاسی مطلوب نزد اهل تسنن از بین نرفت، بلکه شخصیت‌ها و گروه‌های مختلفی تلاش کردند که بار دیگر آن‌را در آینده احیا کنند. ازجمله: حسین شریف در مکه (قادری، ۱۳۹۰: ۲۲٤)؛ فواد پادشاه مصر (سعید، ۱۳۹۰: ۸۰)؛ محمد رشیدرضا (فیرحی، ۱۳۹۲: ١٤٥)؛ اخوان‌المسلمین در بدو تأسیس (موصللی، ۱۳۸۸: ۱۰٦)؛ حزب التحریر (گروه بحران بین‌المللی، ۱۳۸۳: ۳٦-۲٤)؛

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

القاعده(عباس‌زاده‌فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹٤: ٦۱)؛ طالبان(میرعلی و شفائی، ۱۳۹۷: ۲۱۰–۲۰۰)؛ جماعت تبلیغ و جماعت اسلامی در هندوستان، جماعت نور در ترکیه (بخشی‌شیخ‌احمد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱٤۲) و امروزه در رأس همه آن‌ها گروه داعش(Gerges, 2016: 28). به عنوان نمونهٔ داعش که با انگیزه بازسازی امت واحده و شوکت اهل سنت قدم در عرصه وجود نهاد. (عباسی، ۱۳۹۳: ۹٤)، دال مرکزی گفتمان خود را خلافت قرار داد، (تاجیک و نعمت‌اللهی، ۱۳۹۵: ۳۳) تا از این طریق بتواند مسلمانان را تحت یک لوای واحد گرد آورد و به رؤیای افرادی چون ابومصعب الزرقاوی رنگ و بوی واقعیت ببخشد. (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۳: ۱٦۵). براین اساس رؤیای بازسازی خلافت همچنان در میان برخی از افراد و گروه‌های اهل سنت وجود دارد و در سال‌های آینده نیز با وجود شکست و تضعیف گروه‌های سلفی–تکفیری به‌ویژه در عراق و سوریه، این آرمان مهم اهل تسنن به سادگی به فراموشی سپرده نخواهد شد. در این زمینه، بَرِت، افسر سابق «MI6» معتقد است که خلافت به‌عنوان یک واقعیت همچنان در ذهن مبارزان داعش باقی خواهد ماند؛ زیرا خلافت برای آنان حتی اگر تنها در یک اتاق خانه باشد، وجود خواهد داشت و آنان همواره تلاش خواهند کرد، تا آن را به واقعیت تبدیل کرده و سرزمین‌های عمده‌ای را تحت کنترل درآورند.(Smith & Neubert, 2017).

۲.آینده مطلوب مخالفان؛ نابودی گروه‌های تکفیری: گروه‌های تکفیری هر فرد یا جماعتی که مخالف عقاید آن‌ها باشد، به‌عنوان دشمن تکفیر کرده و با او به مقابله برمی‌خیزند، پس می‌توان گفت تمام افرادی که سلفی–تکفیری نیستند، خواهان اضمحلال این نوع از گروه‌ها هستند. هرچند تعدادی از کشورها برای دستیابی به مقاصد خویش از برخی گروه‌های تکفیری حمایت به عمل می‌آورند و از آن‌ها استفاده ابزاری می‌کنند، اما در نهایت، هیچ‌گاه خواهان قدرت بی‌حد و مرز آن‌ها نیستند چراکه آن‌ها نیز در لیست دشمنان گروه‌های تکفیری قرار دارند، چه به‌عنوان دشمن دور یا به نام دشمن نزدیک. در این میان شاید مهم‌ترین مخالفان گروه‌های سلفی–تکفیری، شیعیان و نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. گروه‌های نوسلفی و تکفیری همچون جبهه‌النصره، سپاه صحابه و شاخه نظامی این گروه به نام لشکر جهنگوی، و مهم‌تر از همه گروه داعش که پایه‌های آن از سوی ابومصعب الزرقاوی بنیان گذاشته شد، اولویت مبارزه با دشمنان را به شیعیان اختصاص داده و آن‌ها را به‌عنوان دشمن نزدیک تلقی کرده‌اند. (علی‌بخشی، ۱۳۹٤: ۱٤۵). البته انتظار نابودی همه‌جانبه گروه‌های سلفی–تکفیری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد، چراکه از یکسو این گروه‌ها با استفاده از ایدئولوژی و گفتمان متصلب خود که دال‌های آن را مفاهیم اسلامی همچون جهاد، جاهلیت، هجرت، خلافت، امت و... تشکیل می‌دهند، یک نوع نظام فکری ایجاد کرده‌اند که با برخورد نظامی از بین نمی‌رود. از سوی دیگر برخی از کشورها با نادیده گرفتن خطرات جهانی استفاده ابزاری از تروریسم به‌ویژه تروریسم تکفیری، در مواقعی از آن‌ها برای پیشبرد منافع خود و توازن قوا در محل‌های مورد مناقشه و درگیری استفاده می‌کنند. در واقع با استفاده از آن‌ها، وارد جنگ‌های نیابتی می‌شوند، زیرا هزینه جنگ مستقیم امروزه بسیار زیاد است. (نجات، ۱۳۹٤: ۷۵-۷۳). براین اساس استفاده از مفاهیم تضعیف و افول به‌جای نابودی در مورد گروه‌های سلفی-تکفیری منطقی‌تر به نظر می‌رسد. هم‌چنین تاریخ نشان داد که هنگامی که یک گروه تروریستی تضعیف می‌شود، پس از مدتی به صحنه‌های نبرد باز می‌گردند، یا گروه-های دیگری با ویژگی‌هایی خاص به جای آن‌ها ظهور می‌کنند. به‌عنوان مثال با کاهش قدرت القاعده پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، گروه داعش با قدرت رسانه‌ای، مالی، تسلیحاتی و... بالاتری ظهور پیدا کرد. هم‌چنین گروه طالبان نیز که پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ گمان می‌رفت، به‌طورکلی نابود شده است، پس از مدتی با بسیج نیروهای خود، بار دیگر به عرصه مبارزات در افغانستان بازگشت و تا به امروز نیز به عنوان بزرگ‌ترین چالش دولت مرکزی افغانستان قلمداد می‌شود. بنابراین گمان می‌رود در آینده نیز شاهد بروز و ظهور گروه‌های نوین تروریستی با استراتژی‌ها، برنامه‌ها و تاکتیک‌های متفاوت باشیم.

ب)آینده‌های ممکن

۱.سناریوی دولت‌سازی در کشورهای اسلامی: با وقوع بحران در سوریه و سرازیر شدن جهادی‌ها به این کشور و در ادامه تشکیل خلافت اسلامی توسط داعش در سوریه و عراق، توجهات بین‌المللی به سمت این منطقه از خاورمیانه متمرکز شد. با از بین رفتن تشکیلات نظامی و سرزمینی گروهی مثل داعش، ایده دولت‌سازی در میان تکفیری‌ها از بین نخواهدرفت و با توجه به شرایط دولت‌های شکننده در خاورمیانه به‌ویژه افغانستان و برخی نقاط آفریقا مانند لیبی، همچنان خطر ادامه حیات و ظهور گروه‌های رادیکال اسلامی جهت تشکیل دولت وجود دارد، چراکه هدف اصلی آنان دستیابی به قدرت و احیای مجدد نظام مطلوب و آرمانی خود یعنی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

خلافت است.

۱-۱. پیشران‌ها

۱-۱-۱.آرمان دستیابی به دولت: پیمان عقبه دوم و سایر گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارند که پیامبر اسلام ص از همان ابتدا در اندیشه تأسیس یک جامعه اسلامی با تمام لوازم و الزامات سیاسی-نظامی آن بود. (فیرحی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). بعد از وفات پیامبرص نیز در مورد این نکته که استمرار حکومت ضرورت دارد، میان عامه مسلمانان وحدت نظر وجود داشت، اما در مورد این‌که چه کسی می‌بایست زمام امور را در دست بگیرد؟ میان اصحاب پیامبر اختلاف نظر بود. در نهایت اهل سنت به نظام خلافت و تشیع به نظام امامت گرایش پیدا کردند. اهل سنت تنها نظام حاکم بر جوامع خود از هنگام رحلت پیامبر تا سال ۱۹۲٤ را نظام خلافت یافتند. پس از فروپاشی خلافت عثمانی و شکل‌گیری نظام دولت-ملت (نظام وستفالیایی)، عده‌ای از اندیشمندان و گروه‌های منتسب به اهل سنت تلاش کردند، نظام آرمانی خلافت را بار دیگر احیا کنند که آخرین تلاش آن‌ها از سوی گروه داعش صورت پذیرفت.

۱-۱-۲.وجود دولت‌های ضعیف و شکننده: در منطقه خاورمیانه کشورهایی قرار دارند که با برخورداری از شاخص‌های دولت شکننده، به محلی امن برای حضور گروه‌های رادیکال اسلامی تبدیل شده‌اند. دولت‌های شکننده، دولت‌هایی هستند که اقتدار مرکزی در آن‌ها شکل نگرفته و تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی بسیار آسیب‌پذیر و مستعد خشونت و هرج و مرج هستند. (صالحی، ۱۳۹٦: ۱۲۳). از نظر جغرافیایی دولت‌های شکننده عمدتاً در جنوب صحرای آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی و آمریکای لاتین قرار دارند(اختیاری‌امیری، ۱۳۹٦: ١٦٤). بر اساس داده‌های آماری در مورد رده‌بندی دولت‌ها بر اساس میزان شکنندگی، جایگاه کشور سومالی دوم، یمن سوم، سوریه چهارم، افغانستان نهم، عراق یازدهم، نیجریه چهاردهم، پاکستان بیستم، لیبی بیست‌وپنجم و مصر سی‌وششم در میان بدترین کشورها از این حیث است. (Fragile States Index 2018 – Annual Report). یعنی همان کشورهایی که گروه‌های سلفی-تکفیری در آن‌ها فعال هستند. البته میزان شکننده بودن این قبیل دولت‌ها دارای ابعاد متفاوتی است که حوزه‌های تأثیرگذاری آن می‌تواند از سطح محلی به ملی و در نهایت به بین‌المللی کشانده شود. (OECD Report, 2014:15).

۱-۱-۳.تضادهای قومی و فرقه‌ای: منطقه خاورمیانه خاستگاه ظهور ادیان توحیدی یهود،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مسیحیت و اسلام است. به همین دلیل از تنوع مذهبی بالایی برخوردار است که این ویژگی در کنار تنوعات قومی و نژادی، کشورهای حاضر در این منطقه را به مثابه موزائیک‌های رنگارنگی به لحاظ هویتی نشان می‌دهد که گاهی شکل تهدید به خود می‌گیرد. مرزهای تحمیلی نظام دولت مدرن خاورمیانه، منطقه را خودسرانه به انبوه واحدهای سیاسی رقیب و اغلب ساختگی بر پایه منافع قدرت‌های بزرگ و نه بر پایه آرمان‌ها و خواسته‌های بومی تقسیم کرد. این روند پتانسیل، ملت‌سازی نهفته در یکپارچگی فرهنگی ناشی از تاریخ طولانی امپراتوری‌های گسترده با نام امت‌سازی اسلامی را نابود کرد. (هینه‌بوش، ۱۳۸٦: ۲۷۱). با بررسی وضعیت برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه که گروه‌های سلفی-تکفیری در آنجا فعالیت می‌کنند، به خوبی می‌توان خطرات گوناگونی قومی و فرقه‌ای را مشاهده نمود:

جدول ۱: منازعات قومی و فرقه‌ای در برخی از کشورهای خاورمیانه

منازعات / کشور	تضادهای قومی و فرقه‌ای
عراق	شکاف مذهبی بین اکثریت شیعه و اقلیت سنی مذهب؛ شکاف قومی-زبانی بین اکثریت عرب و اقلیت غیرعرب کرد، ارمنی و ترکمن؛ شکاف دینی بین اکثریت مسلمان و اقلیت غیرمسلمان ارمنی و آشوری
سوریه	شکاف مذهبی میان اقلیت علویان و اهل سنت؛ تعارضات قومی میان اکراد و اعراب
افغانستان	تضادهای قومی میان ائتلاف شمال که عمدتاً گروه‌های قومی تاجیک، هزاره و ازبک را شامل می‌شود و گروه دوم که اغلب پشتون‌ها را در بر می‌گیرد
پاکستان	منازعات قومی میان پنجابی‌ها(ایالت پنجاب)، سندی‌ها(ایالت سند)، بلوچ‌ها(ایالت بلوچستان) و پشتون-ها(ایالت سرحد و منطقه قبایلی) و درگیری مذهبی میان برخی از گروه‌های اهل تسنن و تشیع.

۱-۱-٤.تحرک‌پذیری: تحرک‌پذیری گروه‌های تکفیری را می‌توان در دو حوزه عوامل عینی و ذهنی بررسی کرد. در زمینه عینی و جود دولت‌های ضعیف و شکننده از اهمیت خاصی برخوردار است. دولت‌های شکننده علاوه برآنکه در سرزمین خود مستعد رشد گروه‌های رادیکال و تروریستی هستند، با از دست دادن اقتدار مرکزی خود به شیوع بی‌ثباتی‌های خود به کشورهای همسایه و منطقه مجاور نیز کمک می‌کنند. (Iqbal & Starr, 2008: 315-331) و در سطح بین‌المللی نیز می‌توانند با در اختیار گذاشتن فضا و مکان برای گروه‌های تروریستی، به ثبات بین‌المللی آسیب جدی وارد کنند. (Ottaway & Mair, 2004: 6). نمونه بارز و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مهم این امر را می‌توان به خوبی در تحرک نیروهای داعش در کشورهای عراق، سوریه، افغانستان و لیبی و جابه‌جایی نیروهای القاعده و طالبان در کشورهای افغانستان، پاکستان و یمن مشاهده کرد. علاوه بر عوامل عینی، مسائل ذهنی و ایدئولوژیک نیز در تحرک‌پذیری گروه‌های تکفیری تأثیرگذارند از جمله: اعتقاد به مرزبندی عقیدتی که جهان را به دو قسمت دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کند؛ اعتقاد به هجرت برای خروج از وضعیت جاهلی و تأسیس جامعه اسلامی که متأثر از اندیشه‌های سیدقطب است؛ باور به مسأله جهاد ابتدایی که جهت مبارزه با بدعت‌گذاران و مشرکان قائل به هیچ‌گونه حد و مرزی نیست.

۱-۱-۵.ناکام ماندن اعضای گروه‌های سلفی-تکفیری در بازگشت به وطن خود: با هجوم جهادیون از نقاط مختلف جهان به سمت کشور افغانستان جهت مقابله با ملحدان کمونیست، جهاد شکل بین‌المللی به‌خود گرفت و زمینه‌ساز ایجاد گروه‌های تکفیری با اهداف و اقدامات جهانی همچون القاعده و داعش در سال‌های بعد شد. بر اساس مطالعات انجام شده، بین ۲۷ هزار الی ۳۱ هزار نفر جهت پیوستن به داعش و دیگر گروه‌های افراط‌گرا از حداقل ۸٦ کشور جهان به سوریه و عراق سفر کرده‌اند. (The Soufan Group, 2015: 4) که در این میان بر اساس گزارش منتشر شده توسط سازمان ملل متحد، حدود ۲۰ هزار نفر از جنگجویان داعش همچنان در عراق و سوریه به سر می‌برند(www.dw.com/ 2018/08/13). براین اساس، اعضای گروه‌های تکفیری به وطن خود برنگشتند، و همچنان خطر حضور قدرتمند گروه‌های رادیکال جهت دولت‌سازی در کشورهای منطقه خاورمیانه وجود دارد.

۱-۱-٦.وجود دولت‌های غیردموکراتیک: وجود دولت‌های غیردموکراتیک در جهان اسلام نیز به نوبه خود زمینه رشد فعالیت گروه‌های تکفیری و رادیکال اسلامی را افزایش می‌دهند، چراکه این دولت‌ها از یک سوی با سرکوب و به حاشیه راندن احزاب و گروه‌های اسلامی، آن‌ها را به سمت اتخاذ مشی مسلحانه جهت سرنگونی دولت سوق می‌دهند و از سوی دیگر با عدم توجه به خواست‌های مردم و اعمال محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی، مردم را از حکومت ناراضی می‌گردانند که همین امر به مرور زمینه را برای وقوع انقلاب فراهم می‌کند، و گروه‌های تکفیری به جهت برخورداری از انسجام سازمانی و تسلیحاتی، سوار بر موج انقلاب گردیده و با سوء استفاده از مطالبات مردم، اهداف خود را دنبال می‌کنند. نمونه‌های این جریان را می‌توان در طی انقلاب‌های عربی معاصر در کشورهای تونس، مصر،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

لیبی و سوریه مشاهده کرد.

۱-۱-۷.ژئوپلتیک جهان اسلام: براساس یکی از رایج‌ترین تعاریف در مورد ویژگی دولت اسلامی که امروزه پایه بسیاری از تشکل‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی و بانک بین‌المللی اسلامی است، این است که دولت در جغرافیای زندگی مسلمانان تشکیل شده باشد. (فیرحی، ۱۳۹۲: ۲۱). پس برای ایجاد دولت اسلامی، صرف وجود جمعیت کافی نیست، بلکه می‌بایست غالب جمعیت مسلمانان باشند. به همین جهت نیز گروه‌های سلفی-تکفیری اگرچه حملات خود را در سراسر جهان اجرا می‌کنند، اما مرکز ثقل آن‌ها جهت تشکیل دولت ناگزیر در مناطقی خواهد بود که مسلمانان جمعیتی بیش از سایر اقلیت‌های دیگر داشته باشند و این مناطق عمدتاً شامل خاورمیانه و برخی کشورهای آفریقایی می‌شود.

۱-۲.سدکننده‌ها

۱-۲-۱. موضع مخالف کشورها نسبت به تکرار وقایع سوریه و دولت‌سازی داعش: با بروز بحران در کشور سوریه، کشورهایی که از دولت حاکم بر سوریه ناراضی بودند، تلاش کردند با حمایت‌های گوناگون مالی، رسانه‌ای و نظامی از مخالفان مبارز در سوریه حمایت کنند و با ساقط کردن دولت مرکزی، اهداف خود را به پیش برند. اما با رشد گروه‌های تندور و تروریستی در سوریه به‌ویژه جبهه‌النصره و داعش و گسترش ابعاد بین‌المللی این گروه‌ها که امنیت جهانی را از یک سوی با اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان و از سوی دیگر با بحران مهاجران سوری و عراقی با خطر مواجه کردند، به مرور زمان بسیاری از کشورهای مذکور دیدگاه خود را نسبت به مخالفان و دولت مرکزی سوریه تغییر دادند. از جمله: کشور ترکیه (www.alwaght.com/ 1393/11/13)؛ اتحادیه عرب(www.farsnews.com/ 1394/05/07)؛ کشور قطر(www.khabaronline.ir/ 1395/06/03)؛ کشور آمریکا (www. farsnews.com/ 1393/12/25)؛ و اتحادیه اروپا در قالب «اعلامیه کمیسیون اروپا در مورد راهبرد جدید اتحادیه اروپا در قبال سوریه» در ١٤ مارس ۲۰۱۷.

۱-۲-۲.موفق نبودن سلفی‌ها در دولت-ملت‌سازی[1]: دولت و ملت همواره در یک ارتباط

1. State-Nation

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

دو سویه تکوینی و تأسیسی نسبت به یکدیگر عمل می‌کنند. منظور از دولت‌سازی[1] ایجاد و تقویت نهادهای لازم برای حمایت از توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بلندمدت است، که این نهادها شامل قوه مقننه، نظام قضایی، کارگزاران اجرایی مانند آموزش و پرورش و حمل و نقل هستند. (قوام و زرگر، ۱۳۸۸: ۲۱۵). ملت‌سازی[2] نیز عموماً در اشاره به فرآیند یکپارچه سازی جمعیت یا مردم در یک کشور از رهگذر ایجاد وحدت ملی به‌کار می‌رود، به‌طوری‌که مردم احساس کنند منسجم است و به یکدیگر اعتماد دارند. (قریشی‌کرین و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۵). براین اساس شکل‌گیری یک ملت نیازمند آن است که جمعیت یک سرزمین، خود را بر اساس یک هویت ملی مشترک تعریف کنند. اما تکوین نیافتن دولت–ملت یا به عبارت دیگر «هویت ملی» و شکاف فزاینده موجود میان هویت ملی و هویت‌های قومی و مذهبی از ویژگی ذاتی اکثر کشورهای خاورمیانه است. (هینبوش، ۱۳۸۲: ۲۷) که باعث بروز بحران‌ها و کشمکش‌های فراوانی می‌شود. بنابراین امر دولت–ملت‌سازی در اکثر کشورهای خاورمیانه به‌طور کامل و موفق صورت نگرفته است. از مهم‌ترین گروه‌های سلفی نیز که در امر دولت–ملت‌سازی شکست خوردند، می‌توان به طالبان در افغانستان؛ اخوان‌المسلمین در مصر و داعش در سوریه و عراق اشاره کرد.

۱–۲–۳.محبوبیت و مقبولیت نداشتن رهبران و گروه‌های سلفیِ رادیکال نزد عامه مسلمانان: رهبران و فرماندهان گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال از یکسو به دلیل اتخاذ مشی مسلحانه و مجاز شماردن به‌کارگیری خشونت علیه مخالفان و از سوی دیگر، برخوردار نبودن از وجاهت و جایگاهی همتراز با علمای سرشناس و مشهور جهان اسلام، در میان عامه مسلمانان نتوانسته‌اند، جایگاهی مقبول و مشروع پیدا کنند. به همین جهت قادر به بسیج اکثریت مسلمانان در راستای پیشبرد اهداف خود به‌ویژه برپایی حکومت نبوده‌اند. به‌عنوان مثال حسن البنا، بنیان‌گذار اخوان‌المسلمین، اصلاً در هیچ مکتب سنتی درس نخوانده بود. (فیرحی، ۱۳۹۲). اسامه بن لادن در مدارس سکولار و رشته‌های دانشگاهی غیردینی همچون اقتصاد، مدیریت و مهندسی عمران تحصیل کرده‌بود. (fa.wikipedia.org). فتواهای خصمانه وی و عملکرد خشونت‌بار گروه او، القاعده را به عنوان یکی از خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی در جهان معرفی کرد. گروه داعش به رهبری ابوبکر البغدادی که مبارزه و اعمال

1. State-building
2. Nation-building

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

خشونت علیه مخالفان خود اعم از مسلمان و غیرمسلمان را جایز می‌شمارد، با مجازات‌ها و کشتارهای فجیع خود رعب و وحشت را اشاعه داد. او تلاش کرد با ادلّهٔ جدید عدم برخورداری از پشتوانه مردمی را جبران کرده و به خلافت خود مشروعیت بخشد. از جمله ادله اقناعی شامل: انقضاء اجل (چاره‌ای جز اطاعت و پذیرش خلافت البغدادی نیست) و استجماع قرائن (یعنی نشانه‌هایی که نشان دهنده مشروع بودن برپایی خلافت است. از جمله ضرورت تشکیل خلافت در احادیث پیامبر، فضیلت انتساب خلیفه به سرزمین شام، فضیلت مجاهد بودن خلیفه. برخورداری البغدادی از صفات خلیفه مثل مسلمان، ذکوریت، حریت، عدالت، عقل، علم و قریشی بودن.) (غلام-زاده، ۱۳۹۳: ۳۷-۲۱). براین اساس اقدامات خشونت‌بار رهبران و اعضای گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و هم‌چنین عدم برخورداری از وجهه مقبول مردمی، مانع از جریان‌سازی تمدنی این‌گونه گروه‌ها و جلب حمایت اقشار کثیری از مسلمانان از رویکرد آن‌ها شد.

۱-۳.تحلیل سناریو: با توجه به اعتقاد اکثر مسلمانان بر لزوم وجود دولت در نظام سیاسی اسلامی و همچنین نسبت‌سنجی میان پیشران‌ها و سدکننده‌های مطرح شده در این پژوهش، به نظر می‌رسد در آینده نیز همچنان تلاش برای دولت‌سازی از سوی گروه‌های سلفی-تکفیری دنبال خواهد شد زیرا آنان معتقدند دین اسلام تنها در صورت برقراری یک دولت اسلامی واقعی به جای دولت‌های اسلامی کاذب کنونی می‌تواند در جامعه جاری شود. در ضمن موانع و سدکننده‌های مذکور در این سناریو از قدرت لازم برای بازداشتن گروه‌های سلفی-تکفیری از حرکت به سمت ایجاد دولت برخوردار نمی‌باشد زیرا سدکننده اول به عنوان یک متغیر در سیاست خارجی کشورهای مذکور محسوب می‌شود و این کشورها هرگاه منافعشان ایجاب نماید، به حمایت از گروه‌های تکفیری یا نبرد با آنها می‌پردازند. سدکننده دوم نیز اگرچه ضعف گروه‌های سلفی در دولت‌سازی را نشان می‌دهد اما نمی‌تواند چندان بر استراتژی دستیابی به دولت از سوی سلفیان تکفیری تأثیرگذار باشد زیرا گروه‌های تکفیری از یک سوی خود را با برنامه‌ها و توانایی‌های متفاوت و بهتر از دیگر گروه‌های سلفی معرفی می‌کنند و از سوی دیگر سقوط دولت‌های سلفی معاصر را ناشی از توطئه‌های گروه‌ها و نهادها (نظیر سکولارها در تونس و ارتش در مصر) و کشورهای دیگر (حمله آمریکا به افغانستان و اکثر کشورهای دنیا علیه داعش) می‌دانند. سدکننده سوم اگرچه مانع از برخورداری گروه‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

تندرو اسلامی از حمایت گسترده عامه مسلمانان می‌گردد، اما قادر نیست مانع جذب بخش قابل توجهی از مسلمانان و غیرمسلمانان به چنین گروه‌هایی گردد که با انگیزه‌های گوناگون به گروه‌های رادیکال اسلامی ملحق می‌شوند.

۲.سناریوی ادغام گروه‌های سلفی-تکفیری با یکدیگر: افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و کشورها جهت دستیابی به اهداف خود و کسب منافع بیشتر تلاش می‌کنند با تشکیل یک ائتلاف، قدرت خود را افزایش داده و با تقسیم مسئولیت بین خود و دیگران، حداکثر عواید را بهره‌برداری کنند. در این میان گروه‌های سلفی-تکفیری نیز جهت رسیدن به مطلوب خود که همان تشکیل دولت است، در بعضی مواقع با یکدیگر ائتلاف می‌کنند. به عنوان نمونه پس از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، برخی از گروه‌های مخالف دولت در این کشور، دست به ائتلاف زده و جبهه‌های بزرگ‌تری را ایجاد نموده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «داعش»، «جبهه اسلام»، «جبهه انقلابیون سوری»، «جیش‌المجاهدین» (آدمی و نیک‌نام، ۱۳۹۵: ۲)، «جبهه اسلامی آزادی‌بخش سوریه» که از اتحاد ۲۰ گروه بوجود آمد، «جیش‌الاسلام» که متشکل از ۵۰ گروه است، گردان‌های «احفاد الرسول» که محصول ائتلاف ٤٠ گروه می باشد، جبهه «الاصاله و التنمیه» متشکل از ۵ گروه، گردان «شهدای یرموک» حاصل ائتلاف ۸ گروه(www.yjc.ir/ 1395/03/16)، ادغام دو گروه «جنبش احرار شام» و «صقور شام» با یکدیگر(www.irna.ir/ 1394/01/03) و گروه جبهه‌النصره که با تغییر نام خود به «هیئت تحریر الشام» توانست تعدادی از گروه‌های تروریستی را با خود ادغام کند. (www.al-monitor.com/ 1396/05/16) اشاره کرد.

۲-۱.پیشران‌ها

۲-۱-۱.ضعف و عدم توانایی نظامی و لجستیکی کافی: گروه‌های سلفی-تکفیری عمدتاً از افراد اندکی تشکیل شده‌اند و با سلاح‌های محدودی که در اختیار دارند، اگرچه در حملات غافل‌گیرکننده خود خساراتی را به بار می‌آورند، اما در مبارزه با نیروهای نظامی رسمی کشورها و ارتش‌های ملی که از نظم سازمانی، انسجام و یکپارچگی بالایی برخوردارند، در موضع ضعف قرار می‌گیرند.

۲-۱-۲.ایدئولوژی و اهداف مشترک: در میان گروه‌های سلفی-تکفیری، اشتراکات فراوانی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در زمینه ایدئولوژی دیده می‌شود از جمله تأکید بر مسأله جهاد، تکفیر نمودن مخالفان، مبارزه علیه حکومت‌های مستقر در جهان اسلام، ضدیت با تشیع و شهادت‌طلبی. چنین دیدگاه‌های مشترکی به گروه‌های تکفیری کمک می‌کند که به سمت همگرایی و همکاری با یکدیگر حرکت نمایند.

۲-۱-۳.مطرح و شناخته شدن: با توجه به تعدد گروه‌های سلفی-تکفیری، تنها گروه‌هایی قادر خواهند بود، نظر رسانه‌ها و جامعه جهانی را به سوی خود جلب کنند، که از نظر تعداد اعضا و پیروان و اقدامات تروریستی و خرابکارانه از ظرفیت و توانایی بیشتری برخوردار باشند. در این زمینه می‌توان به پیام ابوبکر البغدادی اشاره کرد. او در سال ۲۰۱۳ گروه دولت اسلامی عراق و جبهه‌النصره را با یکدیگر ادغام کرد و با تغییر نام گروه تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، به مرور زمان در صدر خبر رسانه‌ها قرار گرفت.

۲-۲.سدکننده‌ها

۲-۲-۱.اختلاف در رهبری و روش: از ویژگی‌های مهم گروه‌های سلفی-تکفیری معاصر، تعدد گروه‌ها و اندیشه‌های تکفیری از یکسو و تفاوت بین عمل و تفکر از سوی دیگر است لذا هر چند گروه‌های سلفی-تکفیری در اهداف و ایدئولوژی‌های خود دارای مشابهت‌هایی می‌باشند، اما در برخی زمینه‌ها نیز با یکدیگر به اختلاف می-رسند از جمله در مورد کادر رهبری که خط مشی‌های گروه‌ها و تاکتیک‌های آنان را تعیین می‌کند. بر این اساس ممکن است نه تنها با یکدیگر ائتلاف نکنند، بلکه در بعضی مواقع دچار انشعابات داخلی نیز شوند همانند جدا شدن لشکر جهنگوی از سپاه صحابه در سال ۱۹۸۵ به دلیل تغییر تاکتیک سپاه صحابه از دشمنی به گفتگو با شیعیان؛ انشعاب در جمعیت علمای اسلام و پیدایش دو گرایش یکی به رهبری فضل‌الرحمن و دیگری به نام مولانا سمیع‌الحق؛ انشعاب در اخوان‌المسلمین مصر و پیدایش دو گروه التکفیر و الهجره و سازمان الجهاد و... .

۲-۲-۲.در دسترس بودن: ادغام گروه‌های سلفی-تکفیری با یکدیگر باعث خواهد شد تا آنها در قالب یک سازمان واحد تشکل یابند که همین امر موجب شناسایی راحت‌تر مواضع تشکیلاتی، سازمانی، نظامی، تسلیحاتی و... آنها از سوی مخالفانشان می‌شود. این در حالی است که یکی از راه‌های مقاومت گروه‌های تروریستی در برابر ارتش‌های کلاسیک، انتخاب

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

روش‌های مبارزه در قالب جنگ‌های پارتیزانی و چریکی می‌باشد که موجب مخفی ماندن تجهیزات نظامی و پناهگاه‌های آنان می‌شود.

۲-۲-۳.تسلط دولت مرکزی عراق و سوریه بر تمامیت ارضی خود: با شکست خلافت خودخوانده داعش در عراق و سوریه که در میان گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا قدرتمندترین و سرسخت‌ترینِ مخالفان دولت در این کشورها به‌شمار می‌رفت، دیگر گروه‌های تکفیری نیز رو به اضمحلال هستند. اگر دولت مرکزی بر این گروه‌ها غلبه کند، این گروه‌ها مکانی برای ادامه فعالیت در این دو کشور نخواهند داشت. از آنجا که تعداد کثیری از اعضای این گروه‌ها بومی نیستند و از دیگر کشورها به عراق و سوریه مهاجرت کرده‌اند، ممکن است اکثر این افراد به موطن خود بازگردند یا در قالب دسته‌ها و گروه‌های کوچک‌تر به صورت پنهان و زیرزمینی فعالیت کنند. زیرا از یک سوی با حملات متعدد کشورها علیه مواضع گروه‌های تکفیری، احتمال کشته شدن رهبر یا رهبران این گروه‌ها زیاد است و در گروه‌هایی که وابستگی اعضای آن تنها به رهبر کشته شده باشد، احتمال تجزیه و پیدایش شاخه‌های دیگر بالا می‌رود. از سوی دیگر نیز با شکست‌های پی در پی گروه‌های تکفیری، ممکن است برخی از اعضای گروه‌های مغلوب، بی‌کفایتی کادر رهبری را نتیجه این شکست‌ها تشخیص داده و با جدا شدن از آن گروه، گروه جدیدی را تشکیل دهند.

۲-۳.تحلیل سناریو: در این سناریو توانایی پیشران‌ها جهت تحقق سناریو و ظرفیت سدکننده‌ها در عدم تحقق آن تقریباً برابر است. با توجه به ائتلاف‌های صورت گرفته در میان گروه‌های سلفی-تکفیری در برخی از کشورها از جمله سوریه و مصر به نظر می‌رسد با تداوم شکست نظامی تروریست‌های تکفیری در سوریه، ادغام چندین گروه تکفیری برای ادامه حیات و مقابله با حملات دشمنان هرچند به صورت موقت انجام پذیرد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۸ الکساندر بورنتنیکوف، رئیس سازمان امنیت فدرال روسیه در این رابطه بیان می‌کند: «بر اساس برخی شواهد و مستندات، تروریست‌های داعش و القاعده با یکدیگر متحد شده‌اند»(www.yjc.ir/ 1397/08/17). این در حالی است که گروه داعش و القاعده بعد از ادغام دو گروه دولت اسلامی عراق و جبهه-النصره توسط ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۳ به شدت با یکدیگر اختلاف پیدا کرده بودند.

۳.سناریوی پذیرش دموکراسی؛ بدیل موقت آرمان خلافت: یکی از سناریوهای ممکن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در مورد گروه‌های سلفی-تکفیری، پذیرش نظام سیاسی دموکراسی و مشارکت آن‌ها در قدرت از طریق تشکیل حزب و دستیابی به سطوح کلان تصمیم‌گیری از راه‌های دیپلماتیک همچون شرکت در انتخابات مجالس، ریاست جمهوری و مواردی از این قبیل می‌باشد که از سوی برخی از گروه‌های سلفی نیز انجام پذیرفته است. از جمله: حزب النهضه؛ جماعت اسلامی پاکستان؛ جمعیت العلمای اسلام در پاکستان؛ و جمعیت اخوان‌المسلمین در مصر.

۳-۱.پیشران‌ها

۳-۱-۱.رشد موج دموکراسی‌خواهی در کشورهای خاورمیانه: پس از جنگ جهانی اول و تشکیل کشورهای جدا شده از امپراتوری عثمانی، در اکثر کشورهای خاورمیانه نظام‌های سیاسی بسته و حکومت‌های اقتدارگرا و استبدادی برقرار بود و تنها وجوهی اسمی از دموکراسی همچون انتخابات تشریفاتی پارلمانی در برخی از آن‌ها مشاهده می‌شد. با شروع انقلاب‌های عربی در اواخر سال ۲۰۱۰ که از کشور تونس آغاز شد و به برخی دیگر از کشورهای عرب نیز گسترس یافت. یکی از اهدافی که انقلابیون دنبال می‌کردند، مبارزه با دیکتاتوری و ساختار استبدادی دولت‌ها بود که یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آن، حضور اقشار و لایه‌های اجتماعی گوناگون همچون لیبرال‌ها، سکولارها، چپ‌گرایان و اسلام‌گرایان در کنار یکدیگر برای مبارزه با نظام حاکم است. (زارع، ۱۳۹۲: ۲٦٦) چراکه در کشورهای درگیر انقلاب از جمله تونس، مصر، لیبی، و یمن حاکمان مستبد و اقتدارطلب به مدت زمانی طولانی حکومت می‌کردند.

۳-۱-۲.توانایی نداشتن گروه‌های سلفی-تکفیری برای مقابله و شکست ارتش‌های ملی: مبارزه مسلحانه گروه‌های سلفی-تکفیری علیه نیروهای دولتی، در ابتدا شاید به علت استفاده از اصل غافل‌گیری، نبردهای چریکی و پارتیزانی، و آشوب و هرج و مرج در کشور هدف با موفقیت‌هایی همراه باشد، اما عمدتاً به-عنوان یک نیروی نظامی به مرور زمان توسط ارتش‌های ملی به علت برخورداری از انسجام سازمانی بالاتر، بودجه بیشتر، تعداد نفرات بیشتر و سلاح‌های نظامی پیشرفته‌تر سرکوب می‌شوند و یا به عنوان یک چالش‌گر امنیتی، مبادرت به انجام حملات محدود و تروریستی می‌کنند. بنابراین یکی از راه‌هایی که گروه‌های سلفی-تکفیری می-توانند در کشورهای مختلف به فعالیت بپردازند، تلاش برای مشارکت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مسالمت‌آمیز در قدرت از جمله تشکیل احزاب سیاسی قانونی است.

۳-۱-۳.جایگاه شورا در اسلام: برخی از اندیشمندان مسلمان تلاش کرده‌اند، تا با استفاده از مفاهیم قرآنی و تفسیر سیاسی از آن‌ها، میان اسلام و دموکراسی پیوند و سازگاری ایجاد نمایند. بعضی از متفکرین اهل سنت همچون راشد الغنوشی و ابوالاعلی مودودی با بهره‌گیری از آموزه «خلافت الهی انسان» محمد حسن‌الامین ابتدا با استدلال بر وجوب شورا در آیات قرآن[1]، و جوب حکومت شورایی را از دیدگاه اسلام ثابت کنند و در ادامه با تأکید بر انعطاف‌پذیری شورا در شرایط زمانی و مکانی مختلف، دموکراسی را مناسب‌ترین سازوکار کنونی برای تحقق شورا در جامعه اسلامی معرفی کنند. (میراحمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۱). هم‌چنین با دقت در اندیشه‌های رشیدرضا و مودودی که تأثیر زیادی بر سلفیان بعد از خود داشتند، می‌توان عدم مخالفت آنان با برخی از وجوه دموکراسی را مشاهده کرد. (فیرحی، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۱).

۳-۱-٤.دموکراسی، شیوه نوین تعیین حاکم: بعد از رحلت پیامبر ص و پیدایش نهاد خلافت، خلفای اسلامی به شیوه‌های گوناگونی همچون «انتخاب حل و عقد، استخلاف، شورا و استیلا» به قدرت رسیدند و هیچ-یک از صحابه نیز نسبت به این روش‌های مختلف مخالفتی نداشتند. امروزه نیز که در جهان اسلام خلافتی برقرار نیست و شرایط استفاده از سایر روش‌های تعیین خلیفه نیز امکان‌پذیر نیست. پس می‌توان از دموکراسی به عنوان یکی از روش‌های جدید انتخاب حاکم استفاده نمود. (حیاتی‌مقدم، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۳) و همانند دیگر روش‌های تعیین حاکم در گذشته از آن به‌عنوان «بدعت» نام نبرد.

۳-۲.سدکننده‌ها

۳-۲-۱.دموکراسی در تقابل با اسلام: برخی از اندیشمندان اهل سنت تلاش داشته‌اند تا میان اسلام و دموکراسی ارتباط برقرار کنند، در مقابل برخی از افراد و گروه‌های اسلامی نیز به شدت به طرد دموکراسی پرداخته‌اند. به عنوان مثال القاعده با طرح دموکراسی به‌عنوان بدعت در دین که موجب سلب حاکمیت از خداوند می‌شود، آن را معادل کفر و ارتداد می‌دانند. (ذبیح‌اللهی و فرمانیان، ۱۳۹٦: ۱٤۷و۱۳۲). ابومصعب الزرقاوی در نقد دموکراسی می‌گوید:

۱. «و شاورهم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم».

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

«در دموکراسی، قانون‌گذاری که مورد اطاعت قرار می‌گیرد، یک انسان است نه خداوند. و این همان ماهیت الحاد، شرک و خطا است که با اصول ایمان و یکتاپرستی در تضاد است.» (Bohlen, 2015). ابوبکر البغدادی، رهبر داعش نیز در پیامی صوتی که دو روز پس از اعلام خلافت از سوی خود وی منتشر شد، ضمن دعوت مسلمانان برای هجرت به سرزمین خلافت، صلح، آزادی، دموکراسی و سکولاریسم را شعارهای گمراه‌کننده بی‌دینان خواند. (www.dw.com/ 2014/07/01). به همین جهت نیز داعش نظام خلافت را نه برای کشوری خاص، بلکه برای تمام مسلمانان جهان اعلام می‌کند(ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹٦: ۱۷۸).

۳-۲-۲.مانع شدن از فعالیت احزاب اسلامی در کشورهای مختلف: یکی از عواملی که باعث گرایش برخی گروه‌های اسلامی به سمت رادیکالیسم و افراطی‌گری می‌شود، عدم پذیرش آن‌ها به عنوان احزاب قانونی توسط دولت‌های حاکم و سرکوب و مانع شدن از فعالیت چنین گروه‌هایی است. به عنوان مثال بررسی فراز و نشیب‌های گرایشات اخوان‌المسلمین در طول دهه‌های مختلف مؤید این نکته است که هرگاه فشارهای سیاسی بر بنیادگرایان شدت گرفته است، آنان به سمت خشونت‌های بیشتر رفته‌اند. همچنان که نطفهٔ اصلی گروه‌های بنیادگرای خشن مصری. مانند: «التکفیر و الهجره» و «الجهاد» در زندان‌های جمال عبدالناصر و سرکوب‌های دوران حکومت وی بسته شد. (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۹۸). حزب التحریر نیز اگرچه در آغاز فعالیت‌های خود واژه «حزب» را بکار برد و برنامه‌های خود را به صراحت بیان کرد و رهبران این حزب از رهبران اردن درخواست کردند تا حزب را به رسمیت بشناسند، اما این درخواست به بهانه اینکه حزب دارای گرایش دینی است، از سوی دولتمردان پذیرفته نشد. (اسماعیل، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۰) و با اصرار این حزب به انجام فعالیت‌های سیاسی، برخی از اعضای آن دستگیر و زندانی شدند و همین امر موجب انشعاباتی در حزب التحریر و شکل‌گیری گروه‌ها تندرو شد. علاوه بر این در دیگر کشورهای اسلامی نیز از جمله عربستان، کویت، امارات و قطر شرایط برای فعالیت احزاب مساعد نیست. (ابوالحسن‌شیرازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹٤-٦۳).

۳-۲-۳.موفقیت نبودن برخی احزاب اسلام‌گرا و سلفیان معتدل در تشکیل دولت از راه‌های دموکراتیک: تجربه ناموفق و شکست برخی از گروه‌های سلفی در دستیابی به قدرت از طریق راه‌های دموکراتیک، موجب کاهش اقبال گروه‌های سلفی به سمت استفاده از راه‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

قانونی کسب قدرت شده است. برخی از نمونه‌های مهم شکست گروه‌های سلفی در تشکیل دولت از طرق دموکراتیک عبارتند از: جماعت اسلامی پاکستان که عمدتاً چند کرسی اندک پارلمان یا وزارتخانه را تصاحب می‌کنند. (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۹۷)؛ حزب النهضه نیز که در انتخابات سال ۲۰۱۱ توانست بخشی از حکومت تونس را تشکیل دهد، در انتخابات سال ۲۰۱٤ شکست خورد وحکومت را به سکولارها واگذار کرد. (سردارنیا و عمویی، ۱۳۹۵: ۱۵۱)؛ هم‌چنین جمعیت اخوان–المسلمین که در سال ۲۰۱۲ از طریق آراء عمومی قدرت را در مصر به دست آورد، تنها یک سال توانست به حکومت خود ادامه دهد.

۳–۳.تحلیل سناریو: گرایش به اقدامات رادیکال نسبت به فعالیت‌های دموکراتیک نزد گروه‌های سلفی–تکفیری بیش‌تر خواهد بود. زیرا از طرفی آنان دموکراسی را نوعی بدعت و نافی حاکمیت خداوند و قوانین الهی می‌دانند که انسان را به جای پروردگار می‌نشاند و از سوی دیگر نیز بسترهای فعالیت‌های دموکراتیک در اکثر کشورهای عربی فراهم نیست. هم‌چنین عمدهٔ گروه‌های سلفی که مشی دموکراتیک را دنبال کرده‌اند: اولاً دارای اندیشه‌های تکفیری نبوده‌اند و ثانیاً آن‌ها به دموکراسی به مثابه یک روش و تاکتیک می‌نگرند. همچنان که در سخنان رهبر جمعیت العلمای اسلام پاکستان (اکرم‌عارفی، ۱۳۸۰: ۵۰) و منشور این گروه بر موقتی بودن پذیرش دموکراسی تأکید شده است. (سینائی و صادق‌اکبری، ۱۳۹۳: ۱۰۹). زیرا استراتژی آن‌ها همچنان برپایی دولت و خلافت اسلامی است که با اصول دموکراسی تناسبی نخواهد داشت.

شگفتی‌سازها: در کنار عواملی که به‌عنوان پیشران‌ها و سدکننده‌ها در مورد سناریوهای مختلف مطرح شدند، برخی از رویدادها نیز وجود دارند که احتمال وقوع اندکی دارند، اما درصورت وقوع پیامدهای شگرف و گسترده‌ای به دنبال خواهند داشت. مهم‌ترین مواردی که می‌توانند به عنوان شگفتی‌ساز در مورد سناریوهای مذکور مطرح شوند، عبارت‌اند از: ظهور رهبران جدید و مشابه جمال عبدالناصر در منطقه که مناسبات منطقه‌ای را تغییر خواهند داد؛ همکاری و وحدت بیشتر در میان تمام اعراب در اثر وقوع فجایع طبیعی؛ وقوع جنگ میان برخی کشورهای آفریقایی بویژه بین مصر و اتیوپی به علت ساخت سد نیل توسط دولت اتیوپی؛ ۵. شکاف فزاینده میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که نمونه بارز آن روابط تیره میان عربستان و قطر است؛ رسیدن موج انقلاب‌های عربی به سایر کشورهای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

عربی حوزه خلیج فارس بویژه عربستان سعودی به جهت دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی مهم و خاستگاه ظهور وهابیت؛ دستیابی گروه‌های سلفی-تکفیری به سلاح‌های ممنوعه همچون سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای از راه‌های مختلف؛ سقوط دولت مرکزی در کشورهایی که با گروه‌های سلفی-تکفیری درگیر هستند. به‌ویژه دو کشور سوریه (به علت حمله آمریکا) و عراق (به علت تشکیل نشدن دولت دموکراتیک)؛ وقوع رویدادهای مهمی در جهان که توجهات بین‌المللی را از تمرکز بر اقدامات گروه‌های تکفیری به سمت مسائل دیگر منحرف کند. از جمله: وقوع درگیری احتمالی میان ایران و عربستان، ایران و اسرائیل، چین و آمریکا، روسیه و اوکراین، بحران در حوزه انرژی به‌طوراخص نفت و یا تجزیه‌طلبی اقوام مختلف در کشورهای خاورمیانه بویژه کردها.

ج)آینده محتمل

آینده محتمل، همان بررسی آینده‌های ممکن و سپس برگزیدن یکی از آن‌ها به عنوان آینده‌ای است، که از احتمال وقوع بیشتری برخوردار است. در پژوهش حاضر تمام آینده‌های ممکنِ باورپذیر که مورد بحث و بررسی قرارگرفته‌اند، می‌توانند به عنوان آینده‌های محتمل در نظر گرفته شوند. ازآن جایی‌که فعالیت‌های گروه‌های سلفی-تکفیری چند بُعدی است و به دلیل انعطاف‌پذیری بالای آن‌ها و متغیرهای فراوانی که بر نحوهٔ اقدامات و فعالیت‌های آنان تأثیرگذار است، تعیین یکی از آینده‌های ممکن مذکور به عنوان آینده محتمل چندان قابل پذیرش نخواهد بود. بنابراین در تعیین آینده محتمل گروه‌های سلفی-تکفیری بهتر است، ترکیبی از آینده‌ها در نظر گرفته شود. به این‌صورت که با توجه به آرمان تشکیل خلافت نزد گروه‌های تکفیری، آن‌ها تلاش خواهند کرد که از طریق تقویت منابع مالی متنوع خود و بر اساس منطقه جغرافیایی و شرایط زمانی-مکانی که درآن حضور دارند، در کشورهای اسلامی دولت تشکیل دهند؛ اما در صورت عدم دستیابی به این هدف و در حاشیه قرار گرفتن، تلاش خواهند کرد، با ادغام و ائتلاف سایر گروه‌های هم‌فکر و تمرکز بر تبلیغات گسترده از راه‌های گوناگون به‌ویژه رسانه‌های مجازی به حیات خود ادامه دهند. با انجام حملات چریکی در کشورهای خاورمیانه و استفاده از حملات شبکه‌ای و استراتژی گرگ تنها در کشورهای غربی اقدامات خرابکارانه خود را دنبال نمایند و در مواردی معدود نیز به سمت فعالیت‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

دموکراتیک حرکت کنند که احتمال آن اندک است و در صورت پذیرش دموکراسی نیز از آن به‌عنوان تاکتیکی موقت بهره خواهند گرفت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نتیجه گیری

بروز و ظهور گروه‌های سلفی-تکفیری در منطقه خاورمیانه بویژه پس از وقوع انقلاب‌های عربی در اوایل دهه جاری میلادی که مخاطرات و تهدیدات ناشی از آن صلح و امنیت را در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین-المللی با چالش مواجه ساخت، که این امر ضرورت شناخت و بررسی آنان را در سطوح گوناگون ایجاب می‌کند. به همین دلیل در پژوهش حاضر تلاش شد، با استفاده از روش سناریونویسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی، دورنمای فعالیت‌های سلفیان تکفیری پس از شکست و تضعیف تروریست‌های تکفیری به‌خصوص گروه داعش در کشورهای عراق و سوریه که منجر به آغاز عصر پساداعش شد مورد واکاوی قرار گیرد. در این راستا سناریوهایی تحت عنوان آینده‌های مطلوب، ممکن و محتمل مطرح شده‌اند، که با توجه به مباحث مطرح شده در آن‌ها، از یک‌سوی اهمیت و کاربرد دانش آینده‌پژوهی که عمدتاً در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، در علوم سیاسی نیز مشخص گردید و از سوی دیگر تلاش شد، با طراحی دورنمای چگونگی رفتار و فعالیت گروه‌های سلفی-تکفیری در عصر پساداعش، دولت‌ها و ملت‌های مستعد مواجهه با این-گونه گروه‌ها را از خطرات احتمالی اقدامات آنان در آینده آگاه سازد، تا تدابیر لازم جهت مقابله با هرگونه اقدام از سوی گروه‌های تکفیری را اتخاذ کنند. براساس تحلیل سناریوهای سه‌گانه و یافته‌های پژوهش حاضر و هم‌چنین با درنظر گرفتن این نکته که آینده مطلوب مدنظر سلفیان تکفیری دستیابی به دولت و خلافت اسلامی است، رویکرد تکفیری‌ها در آینده‌ی پیشِ‌رو نیز همچنان با اقدامات افراط‌گرایانه و رادیکال پیوند خواهد خورد و حتی گرایش احتمالی آنان به سمت اقدامات دموکراتیک نیز به‌عنوان تاکتیکی موقت و گذرا صورت خواهد پذیرفت. در واقع شکست نظامی و سرکوب تکفیری‌ها اقدامی موقتی علیه آن‌ها خواهد بود. با توجه به ایدئولوژی و اندیشه متعصبانه‌ای که این گروه‌ها حول محور خلافت دارند، منتظر فرصت دیگری هستند، تا باردیگر به صحنه بازگردند و آتش افراط‌گرایی را به‌ویژه در منطقه خاورمیانه شعله‌ور ساخته و نظم و امنیت بین‌الملل را با چالش مواجه کنند.

در مجموع، برای مقابله با گروه‌ها و اندیشه‌های سلفی-تکفیری راهکارهای زیر می‌توانند مفید واقع گردند:

- اتخاذ اقدامات پیش‌گیرانه از جمله شناخت ابعاد گوناگون گروه‌های تکفیری و جلوگیری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

از پیوستن افراد به این‌گونه گروه‌ها به‌ویژه به خاطر مسائل اقتصادی.

– استفاده از ابزارهای نظامی متناسب با شیوه مبارزه تروریسم تکفیری که عمدتاً به صورت چریکی و پارتیزانی انجام می‌گیرد و همچنین همکاری‌های نظامی میان کشورها به علت خطر بین‌المللی تروریسم تکفیری.

– کمک به دولت‌ها جهت خروج از وضعیت ورشکستگی.

– قطع راه‌های ارسال کمک‌های مالی و نظامی به گروه‌های تکفیری.

– اقدامات دینی و فرهنگی شامل آگاهی‌بخشی به جماعت اهل سنت درباره خطرات رشد گروه‌های تکفیری؛ بهره‌گیری از رسانه‌ها جهت مقابله با قدرت رسانه‌ای سلفیان تکفیری؛ استفاده از تاکتیک‌های ائمه به‌ویژه امام علی(ع) در برخورد با جریان تکفیر و تبیین ناکارآمدی نظام خلافت در دوران معاصر.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

الف) فارسی

ابوالحسن‌شیرازی، حبیب‌اله و همکاران (۱۳۹۳)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه*، تهران: سمت.

اختیاری‌امیری، رضا (۱۳۹٦)، « تأثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۷، شماره ۳، صص ۱۸۸-۱۵۵.

اسماعیل، محمود (۱۳۹۱)، *سلفی‌ها*، ترجمه حسن خاکرند و حجت‌الله جودکی، تهران: الهدی.

اکرم‌عارفی، محمد (۱۳۸۰)، «جنبش اسلامی پاکستان و چالش‌های ساختاری-راهبردی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۸، شماره ۳، صص ٥٦-۳۳.

آدمی، علی. نیک‌نام، رضا (۱۳۹۵)، «تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی-تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، شماره ۱۹، صص ٢٤-۱.

بخشی‌شیخ‌احمد، مهدی و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری-وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ١٦، شماره ٦٤، صص ١٥٤-۱۳۳.

تاجیک، محمدرضا. نعمت‌اللهی، نگین (۱۳۹۵)، «کیفیت بازنمایی خشونت کلامی در چارچوب منطق هویتی گفتمان نوبنیادگرایی؛ مطالعه موردی: داعش و بوکوحرام»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال ۹، شماره ۳۳، صص ٥٦-۲۷.

حیاتی‌مقدم، روح‌اله (۱۳۹۷)، *جاهلیت*، قم: رهپویان اندیشه.

خانی، حسین (۱۳۹٦)، «بحران سوریه و افزایش دیاسپورای مسلمانان در اروپا»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۷، شماره ۳، صص ۲٦-۱.

خراسانی، رضا (۱۳۹۵)، «ماهیت و چیستی سلفی‌گری جدید و پی‌آمدهای سیاسی آن بر جمهوری اسلامی ایران»، قابل مشاهده در پایگاه اینترنتی .www.rasekhoon.net

خزایی، سعید و همکاران (۱۳۹٤)، *مبانی آینده‌پژوهی و روش‌های آن*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

خزایی، سعید. حسینی‌گلکار، مصطفی (۱۳۹٤)، *جستارهایی در باب آینده‌پژوهی*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

ذبیح‌اللهی، مرتضی. فرمانیان، مهدی (۱۳۹٦)، «تحلیل انتقادی اندیشه القاعده در باب حکومت دموکراتیک»، *پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی*، سال ٤، شماره ۸، صص ۱۵۰-۱۲۹.

ذوالفقاری، مهدی. عمرانی، ابوذر (۱۳۹٦)، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۹۵-۱٦۹.

رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، *تکفیر از دیدگاه علمای اسلام، به سفارش کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام*، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت(ع).

زارع، معین (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی یا بهار عربی» در: *دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا*

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

حاتمی و مرتضی بحرانی، جلد سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
سردارنیا، خلیل‌الله. عمویی، رضا (۱۳۹۵)، «بحران مشروعیت و ناکارآمدی و ناکامی اسلام‌گرایان النهضه در تونس»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۵۹-۱۳۹.
سعید، بابی اس (۱۳۹۰)، *هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
سمیعی‌اصفهانی، علیرضا. شفیعی‌سیف آبادی، محسن (۱۳۹٤)، «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ٤، شماره ١٤، صص ۲۲۷-۱۹۹.
سینائی، وحید. صادق‌اکبری، علی (۱۳۹۳)، «تأثیر جمعیت علمای اسلام در پاکستان بر طالبان در افغانستان»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۰۱.
صالحی، مختار (۱۳۹٦)، «دیپلماسی ایران در خاورمیانه شکننده و چالش گذار از توریسم به تروریسم»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۱۹.
عباس‌زاده‌فتح‌آبادی، مهدی. سبزی، روح‌الله (۱۳۹٤)، «شیوه‌های هویت‌جویی القاعده و داعش»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۳۰۲، صص ٦۷-٥٤.
عباسی، محمود (۱۳۹۳)، «سنخ‌شناسی داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۱۲۰-۹۳.
علی‌بخشی، عبدالله (۱۳۹٤)، *جریان‌شناسی گروه‌های سلفی، جهادی و تکفیری*، تهران: الهدی.
فیرحی، داود (۱۳۹۱)، *تاریخ تحول دولت اسلام*، قم: دانشگاه مفید.
فیرحی، داود (۱۳۹۲)، *نظام سیاسی دولت در اسلام*، تهران: سمت.
قادری، حاتم (۱۳۹۰)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
قریشی‌کرین، حسن و همکاران (۱۳۹٦)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در روند دولت-ملت‌سازی افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱۳، شماره ٤۰، صص ۹۵-۷۱.
قوام، عبدالعلی. زرگر، افشین (۱۳۸۸)، *دولت‌سازی، ملت‌سازی و نظریه روابط بین‌الملل: چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت-ملت‌ها*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
کینی، رالف (۱۳۸۱)، *تفکر ارزشی: راهی به سوی تصمیم‌گیری خلاق*، ترجمه وحید وحیدی مطلق، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی کرانه علم.
گروه بحران بین‌المللی (۱۳۸۳)، *اسلام رادیکال در آسیای میانه؛ واکنش به حزب التحریر*، ترجمه احسان موحدیان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
مافی، فرزانه (۱۳۹٤)، *پژوهشی در حوزه آینده‌پژوهی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
محمدی، روح‌الدین (۱۳۹٦)، «آینده داعش در منطقه، سناریوهای محتمل»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

موصللی، احمد (۱۳۸۸)، *مبانی نظری بنیادگرایی*، ترجمه محمدرضا آرام و علیرضا نظری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

میراحمدی، منصور (۱۳۹۵)، *فقه سیاسی*، تهران: سمت.

میرعلی، محمدعلی. شفائی، امان‌الله (۱۳۹۷)، « تحلیل گفتمانی اسلام خلافت محور در افغانستان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۸، شماره ۲، صص ۲۱٤-۱۹۱.

نبوی، عبدالامیر. نجات، سیدعلی (۱۳۹۳)، «جریان شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه براساس تحلیل گفتمان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال٤، شماره ٤، صص ۱٦۲-۱۲۹.

نجات، سیدعلی (۱۳۹٤)، «راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال داعش»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، سال ۱٦، شماره ۱٤، صص ۸٤-۵۹.

نجفی‌فیروزجایی، عباس (۱۳۸۲)، «بنیادهای فکری القاعده و وهابیت»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۷، صص ۲۵٦-۲۳۲.

هزاوه‌ای، مرتضی. باوریان، فریده (۱۳۹۳)، « مشابهت‌های فکری-عملی دو جریان سیاسی خوارج نهروان و القاعده عراق»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۱۸٤-۱۵۷.

هوشنگی، حسین (۱۳۸۹)، «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال ٦، شماره ۱، صص ۲۱۰-۱۸۱.

هینبوش، ریموند (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل‌محمدی و انوشیروان احتشامی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هینه‌بوش، ریموند (۱۳۸٦)، *سیاست هویت در روابط بین‌الملل خاورمیانه*، ترجمه علی گل‌محمدی، تهران: وزارت امور خارجه.

ب) انگلیسی

Schoemaker, P.J.H (1995), "Scenario Planning: A tool for strategic thinking", Sloan Management Review, Vol. 36, No. 2, pp 25- 40.

Kosow, Hannah & Gabner, Robert (2008), "Methods of Future and Scenario Analysis: Overview, Assessment, and Selection Criteria", German Development Institute.

Fawaz, Gerges (2005), "The Far Enemy: Why Jihad went Global", London:

Cambridge University Press.

Gerges, Fawaz A. (2016), "ISIS; A History", Princeton: Princeton University Press.

OECD Report (2014), "Fragile States 2014 Domestic Revenue Mobilization in Fragile States", Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD) Publication.

Iqbal, Zaryab, Starr, Harvey (2008), "Bad Neighbors: Failed States and Their

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

Consequences", Conflict Management and Peace Science, Vol 25, No 4, pp 315–331.

Ottaway, Marina & Mair, Stefan (2004), "States at Risk & Failed States", Carnegie Endowment for International Peace, September, pp 1-10.

Smith, Saphora & Neubet, Michele (2017), "ISIS will remain a threat in 2018, experts warn" , https://www.nbcnews.com/storyline/isis-terror/isis-will-remain-threat-2018-experts-warn-n828146. December.27.

The Soufan Group (2015), "Foreign Fighters", An Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq, December, New York.

Bohlen, Celestine (2015), "Why Do Terrorists Target Democracies?", www.nytimes. com/2015/09/15.

ج) مصاحبه‌ها

۱. فیرحی، داود (۱۳۹۲)، روش‌شناسی نوسلفیه، قابل مشاهده در www.tebyan.net

۲. فیرحی، داود (۱۳۹۲)، سلفی‌گری، مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، قابل مشاهده در http://www.feirahi.ir/?article=221

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

میرعبدلی، محمد؛ خراسانی، رضا (۱۳۹۸)، «آینده‌پژوهی جریان‌های سلفی – تکفیری در دوره پساداعش» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۹، ش۱، بهار ۹۸، صص ۵۷-۲۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]